روزنامه شرق

پنجشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۹ • ۲۷ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۱ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۲۶ • ۱۶صفحه • ۵۰۰۰ تومان

روحانی با اشاره به پایان کار مجلس دهم:

آرزو می‌کنم ارتباط دولت با مجلس یازدهم نزدیک‌تر باشد

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه هیئت دولت با اشاره به اتمام دوره مجلس دهم، گفت: «دولت و مجلس دهم در روزهایی کاملا در کنار هم بودند اما معتقدم بیش از این می‌توانستیم به هم کمک کنیم. لوایح مهم دولت و لوایح بودجه...

صفحه ۲

هشدار معاون اقتصادی اسبق وزارت خارجه و اقتصاد

هجوم تقاضای سوداگرانه به بورس

گروه اقتصاد: فضای رکود و پرش بر معاملات سهام سیطره دارد؛ سودهایی که رقم‌هایشان به‌قدری وصله ناجور تاریخ بورس و لحظه حال اقتصاد است که خیلی‌ها آن را نامتعارف و عجیب می‌دانند. برخی نمادهای بورسی که عمدتا...

صفحه ۵

رئیس سازمان هواپیمایی کشوری در جلسه سوم دادگاه رسیدگی به سقوط هواپیمای ATR آسمان در مسیر تهران- یاسوج:

باید کنار قاضی می‌بودم نه در جایگاه متهم

صفحه ۴

نگاهی به ۴ سال قانون‌گذاری مجلس دهم

به پایان آمد این مجلس

نعمت احمدی: مجلس دهم از حدود و ثغور خود دفاع نکرد

ناهید توسلی: کامیابی‌ها و ناکامی‌های زنان در مجلس

عکس: میزان

صفحه‌های ۳ و ۶

تیترها

کنایه بنزینی رقبای قالیباف به لاریجانی

صفحه ۲

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه:

اگر با آمریکا تلفن قرمز داشتیم سانحه هواپیمای اوکراینی رخ نمی‌داد

صفحه ۶

زندان برای «عزیز» جنجالی

صفحه ۱۴

شاخ و شانه‌های دوباره واشنگتن برای تهران

صفحه ۱۵

تیر خلاص به پدرخوانده

صفحه ۷

سعید مدنی در گفت‌وگو با «شرق»

ترسیمی از جهان پساکرونا

همه واکسن‌های کرونا

صفحه‌های ۱۲ و ۱۳

سرمقاله

۲ پیام رمضان امسال

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

در روزهای پایانی ماه رجب، در همین‌جا نوشتم رمضان امسال به لطف کرونا رمضان دیگری خواهد بود و دیگر از افطارهای پرزرق‌وبرق دولتی، فامیلی و شب‌دولتی و ازدحام در تالارها، هتل‌ها و ترافیک کشنده قبل از افطار خبری نیست و برعکس مؤمنان می‌توانند به نیکوکاری و اختصاص هزینه‌های آن افطارها به محرومان بپردازند.اینک در پایان ماه مبارک رمضان و به‌ویژه با تأکید مقام معظم رهبری، دیدیم که نهضت کمک به ضعیفان در سراسر کشور به نیکویی شکل گرفت و مردم به‌خصوص از طریق نهادهای مذهبی، بسته‌های کمک غذایی در اختیار قشر نیازمند جامعه قرار دادند و چه نیکو این سنت حسنه نیمه‌فراموش‌شده را احیا کردند.البته نه آماری از نیازمندان در اختیار است و نه از تعداد بسته‌ها و کمک‌های انجام‌گرفته اطلاعی موجود و آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند، ارتقای کیفی امر است، نه تعداد آن. اینکه مردم و جوانان بسیج شوند تا سفره‌ای خالی نماند، مهم است و نه حجم، اندازه و تعداد آن. هرچند این هم به جای خود اهمیت دارد، درعین‌حال می‌توان اذعان کرد این امر نیکو نتوانسته شامل همه ضعیفان و نابرخورداران بشود. معلوم است که پس از ماه رمضان، نوعا این کمک‌ها اگر قطع نشود، کم می‌شود و آنگاه ناتوانان همچنان باقی می‌مانند. می‌خواهیم در اینجا به این بپردازیم که آیا پایه‌های برخورداری مردم، البته اشتباه نوشتم حداقل اعاشه مردم، باید بر اساس کمک‌ها و صدقات گذاشته شود یا آنکه حکمرانی وظیفه دیگری دارد که از آن غفلت می‌شود.بدیهی است حکمرانی‌ها و دولت‌ها بیشتر وظیفه دارند به بدیهیات جامعه که نیاز به تصمیم‌گیری متمرکز و اجرای هماهنگ دارد، مانند امنیت، سیاست خارجی، سیاست‌گذاری‌های بهداشتی و آموزشی بپردازند و مردم با احساس مسئولیت و داشتن اختیار لازم، دیگر امور را مدیریت کرده و به اجرا بگذارند؛ اما آیا تأمین زمینه برای حداقل برخورداری مردم، از وظایف حاکمیت نیست؟ یک روی کمک‌های ماه مبارک رمضان، بروز حس نوع‌دوستی و انجام وظایف دینی و ملی و انسانی است؛ اما روی دیگر این کمک‌ها، مبین فقر، ناداری و احتیاج بخشی عظیمی از جامعه ایران است.نمی‌توان گفت حکمرانی کشورمان نسبت به ضعفا بی‌تفاوت بوده؛ کمک نهاد کمیته امداد و بهزیستی و پرداخت یارانه از تصمیمات اتخاذشده برای محرومان است و البته درباره یارانه نقض غرض شد؛ چراکه به اعم از دارا و ندار پرداخت شده است و دولت هم می‌گوید تشخیص دارا و ندار برای من ممکن نیست. در کنار آن، اعتبار مربوط به کمیته امداد و بهزیستی در حدی کم است که به زحمت می‌توانند کار خود را راه بیندازند.حال به‌فرض آنکه این نهادها و کمک‌ها انجام شود، با وضع فعلی تورم و قیمت‌های افسارگسیخته -حتی دارو و بهداشت- این کمک‌ها می‌تواند پاسخ‌گوی کدام‌یک از مشکلات محرومان باشد؟ از سویی معیشت مردم نمی‌تواند بر پایه صدقه و کمک باشد. این درست که برای اعاشه بیماران، معلولان و ازکارافتادگان باید به آنها کمک شود، ولی قاطبه جامعه باید زندگی خود را از طریق کارکردن و تولید خدمات و کالا بگذرانند. هرگاه که ایجاد کار در کشور با وقفه روبه‌رو شود، به دلیل فقر و نداری کارهای خلاف و حقارت‌آمیز در کشور ایجاد می‌شود. می‌گویند بین ۵۰ تا صد هزار نفر به کولبری می‌پردازند؛ درست است که این کار در نوع خود شرافتمندانه، پرتلاش و باخطر است، ولی از نگاه ملی بسیار تحقیرآمیز است؛ چراکه جوان ایرانی به صورت غیررسمی به کشور بیگانه می‌رود و کالای تولیدی کشورهای نه‌چندان دوست -نمی‌گوییم دشمن- را بر شانه‌های خود با طی مسافتی سخت به دور از چشم گمرک به داخل کشور می‌آورد. چگونه است کشوری که به تصدیق همه آمارها به صورت بالقوه از ثروتمندترین‌هاست، بخشی از مردمش در عسرت به سر می‌برند؟ آیا این حاصل تصمیمات اتخاذشده -اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- سال‌های نزدیک نیست؛ تصمیماتی که معلوم نیست اگر اتخاذ نمی‌شد، وضع بهتری در نتیجه اهداف مربوطه نصیب نمی‌شد؟

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نجات کاووس

مهدی افشار
پژوهشگر

پیش از پی‌گرفتن حوادث پرشگفتی که بر رستم در راه نجات کاووس از چنگال دیوان مازندران رخ نمود، این نکته بسیار ضروری است که گفته شود، مازندرانی که در شاهنامه از آن سخن می‌رود، آن‌گونه که شادروان استاد حسین کریمان در پژوهش ارجمند خود یادآور شده‌اند، احتمالا دو منطقه را در بر می‌گیرد، یکی در مغرب، عربستان و حدود یمن و مصر و شام و دیگری در مشرق، در لاهور و مولتان و کشمیر و حدود بدخشان و فلات پامیر و به‌هیچ‌روی دیدگاه شاهنامه، سرزمین زیبای پرطراوتِ سبز چهره نشسته در کناره دریای مازندران نیست و مازندران کنونی در شاهنامه با نام «بیشه نارون» خوانده می‌شده که حکیم توس در متن شاهنامه در شش مورد به آن اشاره دارد و این قلم بر آن است که به تفصیل در مقاله‌ای مستقل به آن بپردازد.

***

رستم با راهنمایی اولاد، کلاه‌خود بر سر و ببر بیان در تن و گرز نیا بر شانه به سوی جایگاه ارژنگ شتافت که فرمانده نگهبانان کاووس و دیگر پهلوانان بود و چون به میان سپاه دیوان رسید، نعره تندرآسایی برکشید که دریا و کوه را به لرزه انداخت. ارژنگ بیم‌زده از خیمه خویش با گرزی گاوسر بیرون آمد و رستم چون آذرخش به سوی او بتاخت و با او درآویخت و پیش از آنکه ارژنگ توان و زمان آن بیابد که از گرز خود بهره گیرد، با ضربت شمشیری سر او را از تن جدا کرده، آن را در میان سپاهیانش افکند. سپاه ارژنگ بیم‌زده سر از پای نشناختند و گریختند. رستم به میان آنان تاخت و بسیار بکشت و از نگهبانان کسی به جای نماند. سپس به نزد اولاد به کوه اسپروز بازگشته، کمند او را بگشود و طریق رسیدن به کاووس را جویا شد و اولاد درحالی‌که پیشاپیش رستم پیاده می‌دوید، راه را به رستم نشان داد و چون به جایگاهی رسیدند که کاووس و دیگر پهلوانان ایرانی در بند کشیده شده بودند، رخش، فریاد رعدآسایی سر داد. کاووس نعره پرطنین رخش را شناخت و شادمانه به دیگر بندیان گفت که روزگار بد به سر رسید و زین پس در هوای آزادی دم خواهیم زد و دقایقی بعد رستم در میان ایرانیان به بند کشیده شده بود. کاووس، یل سیستانی را در آغوش کشید و از رنج راه پرسید و حال زال را جویا شد. آن‌گاه به رستم گفت: «زود باشد که چون دیو سپید آگاه شود، ارژنگ با این جهان وداع گفته، با سپاه خویش ما را در میان گیرد و همه رنج‌های تو بی‌ثمر شود، مگر بشتابی و پیش از آنکه دیوان انجمن شوند، دیو سپید را از پای درآوری. امید که یزدان پاک یار تو باشد تا بتوانی سر آن دیوان را به خاک آوری». و یادآور شد: «پزشکان گفته‌اند درمان دیدگان نابینای من، خون دیو سپید است که اگر سه قطره از آن در چشمم چکیده شود، آن جادو بی‌ثمر شود و روشنایی به چشم‌های تاریک‌شده‌ام باز خواهد گشت».

پزشکان به درمانش کردند امید / به خون دل و مغز دیو سپید

چنین گفت فرزانه مردی پزشک / که چون خون او را به سان سرشک

چکانی سه قطره به چشم اندرون / شود تیرگی پاک با خون برون

رستم با آگاهی از این باطل‌السحر به ایرانیان گفت: «بی‌هیچ اضطراب و تلواسه به جای مانید که من عزم دیو سپید کرده‌ام، به یزدان پاک دست نیایش برگیرید که اگر دیو پشت من را بشکند، شما تا برای همیشه اندوهگین و خوار خواهید ماند».

دیگر بار رستم به راهنمایی اولاد، به سوی جایگاهی که نره‌دیوان انجمن کرده بودند، بتاخت و چون به نزدیکی هفت کوه رسید، از اولاد پرسید: «چه زمانی برای تاختن بر دیو سپید مناسب‌تر است؟». اولاد گفت: «ای پیلتن، بهترین زمان هنگامی است که دیو سپید در خواب باشد و آن، هنگامی است که آفتاب در میانه آسمان است. پس زمانی در دامنه کوه بیاسای تا پرتو گرمی‌بخش آفتاب، چشمان دیو سپید را سنگین گرداند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

چرا منت بر صنعت جایگزین نفت؟

محمد محب‌خدایی
معاون سابق
سازمان میراث فرهنگی

با گذر بر صفحات روزنامه‌ها و فضای مجازی، از گذشته دور تا الان، هم‌نظری و اهتمام رؤسای قوا، مسئولان دولتی، نمایندگان مجلس و همه فعالان اقتصادی بر جایگزین‌شدن درآمد گردشگری به جای نفت، ملاحظه می‌شود. اگر بر این اهتمام ملی در کنار تلاش خلاقانه فعالان صنعت گردشگری جامه عمل پوشانده شود، نباید مانند قوانین جاری درآمدهای ارزی نفت که درصدی بر سر هزینه‌های استخراج و اکتشافات، توسعه و هزینه‌های جاری به وزارت نفت تعلق می‌گیرد، به وزارت گردشگری هم تعلق گیرد؟

در آخرین جلسه معاون اول محترم ریاست‌جمهوری بر درآمد ارزی ۱۱ میلیارددلاری صنعت گردشگری در سال ۹۸ اذعان داشته‌اند و اگر بر همین مبنا و قوانین جاری وزارت نفت بخواهد درصدی از این درآمد در اختیار وزارت گردشگری قرار گیرد، معادل ۹هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. درحالی‌که بودجه وزارت گردشگری در سال ۹۸ مبلغ هزارو صد میلیارد تومان بوده؛ یعنی نزدیک به یک‌نهم بودجه واقعی! آن‌هم فقط از محل درآمدهای گردشگری ورودی. نظر به اینکه سیستم درآمدهای ارزی حاصل از فعالیت‌های گردشگری مانند وزارت نفت متمرکز نیست، این موضوع در ذهن متبادر خواهد شد که فعالان بخش گردشگری سهم خود را از این درآمد، در ابتدا و با اخذ هزینه‌های اقامت، برداشت کرده باشند؛ درصورتی‌که محاسبات گردشگری بیان‌کننده این واقعیت است که گردشگران علاوه بر هزینه‌های فوق، هزینه‌کردهای دیگری نظیر حمل‌ونقل، پذیرایی، خرید خارج از خدمات گردشگری به طور متوسط حدود ۴۰۰ دلار بر مبنای قیمت ارز صرافی‌ها پرداخت می‌کنند که درآمد حاصله از مالیات بر ارزش افزوده این بخش برای کشور(برای ۷/۸ میلیون نفر گردشگر ورودی سال ۹۸)، حدود پنج هزار میلیارد تومان است. در بخش گردشگری سلامت ۵۰۰ هزار نفر گردشگر در سال ۹۸ از حوزه گردشگری سلامت وارد کشور شده‌اند که حداقل هزینه‌کرد این نوع گردشگر بالای هزارو ۵۰۰ دلار، فقط در بخش درمانی بوده است که اگر ۹ درصد ارزش افزوده این بخش نیز محاسبه شود، حدود هزار میلیارد تومان نیز در این بخش درآمد برای دولت حاصل شده است. اگر این محاسبات در همه بخش‌های گردشگری داخلی نیز محاسبه شود و سهم مرتبط به بخش گردشگری به خود صنعت اختصاص داده شود، این سهم کمتر از شش هزار میلیارد تومان نخواهد بود.آیا واقعا براساس سهم ایجاد درآمد از گردشگر ورودی، به حوزه گردشگری بودجه تخصیص داده می‌شود؟ چرا همیشه فکر می‌کنیم که ما بودجه‌ای که به وزارت گردشگری تخصیص می‌دهیم، رقم بالایی است؟ درصورتی‌که اگر همین درآمدهای سال ۹۸ (دست‌کم شش هزار میلیارد تومان آن) به صنعتی که قرار است جایگزین صنعت نفت شود، تزریق می‌شد، امروز شاهد چالش‌های مهم فعالان این بخش از بابت وام ۱۲درصدی از محل صندوق توسعه ملی آن‌هم از درآمد نفت در دوره گذار از کرونا نبودیم. امروز در این شرایط نیاز داریم با بهره‌گیری از خلاقیت‌های فعالان این صنعت با رعایت همه پروتکل‌ها برای فردا برنامه‌ریزی‌های دقیقی در حوزه گردشگری در خانه، گردشگری در شهر، داخلی و خارجی صورت گیرد؛ اما فعالان صنعت گردشگری با نگرانی شدیدتری در این بحران مواجه شده‌اند. درصورتی‌که می‌توانستیم در سایه تلاش آنها در این دوره، از درآمدهایی که در این بخش برای کشور حاصل شده است، بهره‌مند شویم و این اعتبار مالی را نه به‌عنوان یارانه یا وام بلاعوض؛ بلکه به‌عنوان وام بدون بهره به خدمت بگیریم. این باعث می‌شد که فعالان بخش وقت و انرژی خود را صرف برنامه‌ریزی برای دوران پس از کرونا کنند و نقش واقعی این صنعت را در این مقطع به صورت واقعی نشان دهند و شاهد تصمیم‌گیری‌های غیرتخصصی نیز نباشند. باور داشته باشیم اگر بودجه هزارو ۳۰۰ میلیاردی وزارت گردشگری را براساس درآمدهای ارزی خود صنعت، مانند وزارت نفت (حدودا شش هزار میلیارد تومان) پرداخت می‌کردیم.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

نمایندگان بی‌کار شده را جذب دولت نکنید

اکبر ترکان

در مقطعی قرار گرفته‌ایم که نمایندگان دوره قبل مجلس تشریف برده‌اند و ظرف چند روز آینده نمایندگان جدید وارد مجلس جدید خواهند شد.نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا نمایندگانی که مورد اعتماد و امین مردم یک منطقه‌ای بودند و سال‌ها آن منطقه را در مجلس شورای اسلامی نمایندگی کرده‌اند، حالا که رأی نیاورده یا تأیید صلاحیت نشده‌اند، باید جلای وطن کنند؟ آیا بهتر نیست که به مردمشان وفادار بمانند و به شهرشان بازگردند و همان‌جا به مردم خدمت کنند؟به نظر من شایسته این است که وفادارانه به مردم و حوزه‌شان خدمت کنند و نشان بدهند باوجود اینکه رأی نیاورده‌اند، اما در کنار مردمشان هستند و قدرشناسی خود را اثبات کنند. شایسته نیست که جلای وطن کنند و ولایتشان و حوزه‌شان را فراموش کنند. نمایندگان نباید اجازه بدهند که به‌اصطلاح هرکس یک قلپ آب تهران را می‌خورد دیگر به ولایتش برنمی‌گردد! برخی از این نمایندگان به دنبال پست و مقام در تهران و ورود به وزارتخانه‌ها و عمدتا بنگاه‌های اقتصادی هستند. چطور ممکن است یک وزارتخانه یا ارگان دولتی نماینده‌ای را که به هر دلیلی صلاحیتش رد شده، تأیید و به پست‌های مهم منصوب کند. من از این نمایندگان می‌خواهم برای اثبات وفاداری خود به مردم و دلگرمی آنان ولو اینکه رأی نیاورده‌اند، به حوزه خود بازگردند و در آنجا مشغول خدمت شوند یا به شغل قبل از نمایندگی خود برگردند. در این صورت می‌توانند اثرگذار باشند و به واسطه اینکه در دوره نمایندگی خود با وزرا و مسئولان ارشد کشور ارتباطات خوبی برقرار کرده‌اند و دستگاه‌ها را شناخته‌اند، به پیشرفت و توسعه ولایتشان کمک و پشتیبانی کنند. در غیر این صورت به مردمشان وفادار نبوده و جایگاه خود را در منطقه از دست خواهند داد.

ادامه در صفحه ۴

چهارمین شماره ماهنامه مسافرها منتشر شد

لویاتانِ ما

با آثاری از:
سعید حجاریان، علی‌رضا علوی‌تبار، فاطمه صادقی، محمدرضا تاجیک
حسین هوشمند، جواد حیدری، محمدحسین زارعی، احمد موثقی